

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۴

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۷/۲۶

صفحات: ۱۶۱ - ۱۸۴

دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران،

دهه ۴۰ و ۵۰

محمد سهرابی

دانشجوی دوره دکتری رشته علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

عباس صالحی نجف آبادی*

استادیار و مدیر گروه علوم سیاسی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

چکیده

غرب ستیزی از مهمترین رویکردهای موجود در نگاه ایرانیان به غرب بوده که در دوره معاصر تکوین یافته و به تدریج به یک گفتمان غالب تبدیل شده است. نگرش‌های بدبینانه به غرب در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ از طرف نیروهای اجتماعی مخالف وضع موجود به ویژه روشنفکران و نخبگان ملی و مذهبی در قالب یک روایت پردازی تفاوت با غرب به حیات استعاری خود ادامه دادند و به صورت یک گفتمان ضد قدرت، بازتولید و زمینه‌ساز گفتمان غرب ستیزی شدند.

یکی از گونه‌های بررسی پدیده‌های سیاسی، تحلیل آن‌ها بر اساس روش تحلیل گفتمانی است. موضوع این مقاله بررسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰ براساس نظریه لاکلا و موفه به عنوان یکی از مهمترین و غنی‌ترین نظریه‌ها در حوزه تحلیل گفتمان می‌باشد.

این مقاله سعی دارد دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰ را براساس نظریه لاکلا و موفه مورد بررسی قرار دهد. پرسش اصلی این است که براساس نظریه لاکلا و موفه مفصل‌بندی مفاهیم، فرآیند هویت‌سازی و استقرار گفتمان غرب ستیزی در دهه ۴۰ و ۵۰ چگونه اتفاق افتاد؟ پیش فرض اصلی آن است که با توجه به بومی‌گرایی، بنیادگرایی اسلامی و بدبینی تاریخی ایرانیان به غرب، نیروهای مخالف وضع موجود تأثیر مستقیم در گسترش غرب ستیزی در ایران داشتند. بر این اساس اسلام‌گرایی و بومی‌گرایی به عنوان دال‌های اصلی گفتمان غرب ستیزی بوده و مفاهیم و معانی دیگر، حول آن مفصل‌بندی شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: لاکلا و موفه، گفتمان، غرب ستیزی، روشنفکران، بومی‌گرایی، غیریت‌سازی، قابلیت اعتبار.

* نویسنده مسئول، ایمیل: Salehi.abas@yahoo.com

مقدمه

غرب ستیزی به عنوان یکی از رویکردهای مهم در میان روشنفکران و نخبگان اعم از ملی و مذهبی ریشه در عوامل مختلفی دارد. در تاریخ معاصر ایران نگاه‌های مختلف به غرب و تمدن غرب وجود داشته که هر یک از آن‌ها بسته به شرایط زمان و فضای سیاسی حاکم بر جامعه غالب بوده‌اند. در عین حال غلبه یک رویکرد باعث طرد کامل و حذف دیگر رویکردها نشده است.

در دوره‌ای، روشنفکران مشروطه خواه غرب را تمدن متریقی بهره مند از ایده‌های آزادی، برابری، علم، تکنولوژی و... می‌دانستند. مواجهه ایرانیان با غرب بعد از جنگ‌های ایران و روسیه، به گونه‌ای بوده که بخش‌های مختلف جامعه ایران را تحت تأثیر خود قرار داده است. حال آنکه این تصویر از غرب، در دهه ۴۰ با توجه به تجربه استعمار و آسیب‌هایی که خیلی از جوامع از این پدیده دیده‌اند، رنگ باخته و رویکرد غرب‌ستیزی به تدریج جایگزین می‌شود.

در فضای شکل گرفته پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که حاکمیت پهلوی به سمت استبداد بیشتر حرکت کرد و همزمان رویکرد غرب‌گرایی محض بر فضای سیاسی رسمی کشور مستولی شد، یک رویکرد کاملاً متفاوت و حتی متعارض با نگاه غرب‌گرایانه حاکم بر فضای سیاسی جامعه شکل گرفت.

در این مقاله به دنبال بازشناسی دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی هستیم که خود ریشه در گفتمان تفاوت با غرب دارد و در دهه ۴۰ در جامعه ایران استقرار یافته و به تدریج به یک گفتمان ضد قدرت تبدیل شده است.

آنچه با اهداف و انتظارات نظری این مقاله سازگاری بیشتری دارد، تأکید بر مفروضات کلیدی نظری و روش تحلیل گفتمان لاکلاو موفه است.

براساس دیدگاه‌های این متفکران سه عامل کنشگران سیاسی، قابلیت دسترسی و طرد و برجسته‌سازی، نقش اساسی در برتری و هژمونیک شدن یک گفتمان دارند.

سوال اصلی این مقاله آن است که براساس نظریه لاکلاو موفه مفصل‌بندی مفاهیم، فرآیند هویت‌سازی و استقرار گفتمان غرب‌ستیزی در میان روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰ چگونه اتفاق افتاده است؟

فرضیه اصلی آن است که با توجه به بومی‌گرایی و ریشه‌های مذهبی از یکسو و بدبینی تاریخی ایرانیان به غرب از سوی دیگر، نیروهای مخالف وضع موجود به ویژه روشنفکران، تأثیر

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

مستقیم در گسترش غرب‌ستیزی در ایران داشتند.

البته گفتمان غرب‌ستیزی ریشه در نوعی فرهنگ بیگانه ستیزی نیز دارد که در تاریخ معاصر ایران به تدریج شکل گرفته و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با توجه به تقویت نگاه بدبینانه به غرب در فضای سیاسی و فرهنگی، استقرار یافته است.

اهمیت کار در این است که با بررسی دقیق و همه جانبه گفتمان غرب‌ستیزی، آن هم در چهارچوب ساختار گفتمانی، زوایای آشکار و پنهان یک گفتمان روشن می‌شود.

روش تحقیق در این مقاله روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است و شامل بررسی کتاب‌ها، مجلات و مقالات تخصصی مرتبط با موضوع پژوهش می‌شود.

هدف این مقاله کمک به شناخت هر چه بیشتر ابعاد مختلف گفتمان غرب‌ستیزی به ویژه شناخت جنبه‌های استعاری و زوایای پنهان آن از یکسو و بررسی دلایل تکوین، استقرار و هژمونیک شدن این گفتمان در حیات سیاسی ایران در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ است.

مبانی نظری

گفتمان کاربرد زبان، نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌ها برای بیان وضعیت سوژه‌ها است که در معانی و مفاهیمی چون سخن، نظم گفتار، متن، زبان، کنش گفتار و کردار گفتاری به کار می‌رود. (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۱)

تحلیل گفتمان در خوانش سوسور، ریشه در زبان‌شناسی دارد؛ وی زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به دست می‌آورد. (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶)

در دیرینه شناسی فوکو گفتمان با معرفت‌شناسی پیوند یافته است. فوکو در تبارشناسی به جستجوی رابطه قدرت-دانش و پیوند گفتمان‌ها و قدرت برآمد؛ اما لاکلا و موفه، تمایز حوزه گفتمانی و غیر گفتمانی نظریه فوکو را رد و بر گفتمانی بودن تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی تأکید می‌نمایند.

لاکلا و موفه ضمن استفاده از مفهوم فوکوی قدرت و نظریات زبان‌شناسی سوسور و پس‌اساختارگرایی دریدا و با نقد سنت مارکسیستی، این نظریه را در حوزه علوم سیاسی بسط داده و کوشیدند با استفاده از این روش مسائل جامعه معاصر را تحلیل کنند. در این دیدگاه، امور

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

اجتماعی و سیاسی و به طور کلی جهان واقعیت، تنها درون ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند و گفتمان‌ها به فهم ما از جهان شکل می‌دهند.

لاکلا و موف از راه بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی مانند مارکس، گرامشی، آلتوسر، فوکو، دریدا و سوسور، نظریه گفتمان خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی شکل دادند. آن‌ها به جای مطرح کردن بحث عین و ذهن و تمایز میان بازنمایی‌های ذهنی و فعالیت‌های عملی، موضوعات و رفتارها را گفتمانی می‌دانند.

برداشتی که لاکلا و موف از گفتمان دارند، مؤید خصوصیت رابطه هویت است. معنای اجتماعی کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی که این‌ها خود بخشی از آن هستند، می‌توان فهمید. از این منظر، هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد.

دال مرکزی به حالتی اشاره دارد که در آن معنای نشانه به حالت انجامد درآمده است؛ ولی دال شناور به حالتی دلالت می‌کند که نشانه در میدان مبارزه گفتمان‌های متفاوت برای تثبیت معنا، شناور و معلق است. (منوچهری، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

لاکلا، مفهوم "غیر" را برای توضیح ویژگی‌های غیریت به کار می‌برد و معتقد است که خصومت از یکسو مانع شکل‌گیری کامل و یا تثبیت هویت یک پدیده یا گفتمان می‌شود و از سوی دیگر نقش اساسی در شکل‌گیری آن هویت ایفا می‌کند.

برجسته سازی و حاشیه رانی نیز شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و سازوکاری است که به واسطه آن گفتمان‌ها سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته و نقاط ضعف خود را به حاشیه رانده و پنهان کنند و برعکس، نقاط قوت غیر یا دشمن را به حاشیه برانند و نقاط ضعف او را برجسته سازند.

جنبش‌های اجتماعی، تظاهرات خیابانی، اعتصابات خیابانی، ترور شخصیت‌ها، سازوکارهای اقتصادی و قانونی، نیروی نظامی، رسانه‌های جمعی و نظایر آن همگی ابزارهایی برای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هستند. (سلطانی، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

از نگاه لاکلا و موف عواملی که در هژمونیک شدن گفتمان موثرند، عبارتند از: ۱- برجسته‌سازی و غیریت‌سازی ۲- قابلیت دسترسی و اعتبار ۳- نقش عاملان و کارگزاران سیاسی تحلیل گفتمان به طور عام و خوانش لاکلا و موف به طور خاص به دلیل توانایی که در توضیح روند شکل‌گیری یک گفتمان و هژمونیک شدن آن، تنازعات میان گفتمانی و فراز و فرود

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

عناصر و دقایق یک گفتمان داراست، از امتیاز بیشتری نسبت به سایر روش‌ها در تبیین و تفسیر رویدادها و پدیده‌ها برخوردار است و به همین دلیل به عنوان مبنای نظری تحلیل گفتمان غرب‌ستیزی مورد استفاده قرار گرفته است.

غرب در گفتمان روشنفکران دهه ۴۰ و ۵۰

گفتمان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به گمان برخی تحلیلگران، نتیجه و ادامه گفتمان‌های مشروطه و بعد از آن بوده است. به عبارت دیگر، ضرورت تاریخی، پیدایش این گفتمان را ایجاب می‌کرده است. اما همسو با نگاه فوکو به تاریخ، این گفتمان در بستر وقایع تاریخی دوره‌های قبل رخ داده و از گفتمان‌های پیش از خود گسسته است. (اباذری و خائفی، ۱۳۹۱، ۶۸)

گفتمان روشنفکری از سال ۱۳۲۰ به این سو، تحت تأثیر اندیشه‌های مارکسیستی قرار داشت که البته متأثر از جو سیاسی روز، چه در داخل کشور و چه در سطح جهانی نیز بود. اما حزب توده که جذب‌کننده این روشنفکران بود، بیش از هر چیز، به عنوان جبهه‌ای مردمی و متحد بر ضد دیکتاتوری رضاشاه تعبیر می‌شد و حتی در نخستین مرام‌نامه آن، هیچ تمایل خاصی نسبت به اصول کمونیستی مشهود نبود و بنیانگذاران آن، افرادی با اعتقادات سیاسی متفاوت بودند. حتی در ابتدا، منکر هر نوع وابستگی مستقیم به کمونیسم بود و در مقابل، بررسی مفهوم غرب در گفتمان روشنفکران مشروطه خواه در قیاس با گفتمان روشنفکران دهه ۴۰ اعتقاد خود را به استقلال و تمامیت ارضی ایران و قانون اساسی مصوب سال ۱۲۸۵ و سلطنت مشروطه اعلام می‌داشت. (نبوی، ۱۳۸۸، ۸ تا ۱۱)

روشنفکران ضمن همدلی با ایده‌های سوسیالیستی و کمونیستی، خواهان استقلال و ملی‌گرایی از یک طرف و آزادی خواهی و مشروطیت از طرف دیگر بودند. همراهی آرمان‌های استقلال طلبانه و ملی‌گرایانه روشنفکران با نگرش مارکسیستی، ارتباط غرب با مفهوم امپریالیسم را به مرور، به منظومه فکری روشنفکران وارد نمود. (اباذری و خائفی، ۱۳۹۱، ۶۹)

کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق در کنار نگرش محافظه کارانه و هوادار غرب رژیم شاه در سیاست خارجی، به بیگانه شدن روشنفکران از دولت و غرب کمک نمود و نوعی همگرایی فکری در ارتباط با درک آنان از غرب، به عنوان امپریالیسم ایجاد کرد. روشنفکرانی که در این زمان، دیگر به هیچ ایدئولوژی‌ای اطمینان نداشتند، با پوششی جدید

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

به صحنه آمدند و شروع به مدرن سازی فرهنگ کردند؛ به این امید که فرهنگ مدرن شده، شیوه نگرش و رفتار و انتظارات انسان ها را نسبت به اوضاع سیاسی تغییر خواهد داد و امکان تضمین استقلال سیاسی را که مهمترین دغدغه این زمان بود، فراهم می کند. (نبوی، ۱۳۸۸، ۵۶)

توجه روشنفکران مشروطه خواه به فرهنگ به عنوان پیش زمینه ترقی اجتماعی، بیشتر در ارتباط با ایده هایی همچون آزادی، قانون، علم و غالباً به صورت انتقاد از التزام نداشتن مردم و حاکمان به این ایده ها، صورت می گرفت، اما در سال های بعد از کودتای ۲۸ مرداد، توجه روشنفکران به وجوه دیگری از فرهنگ نیز جلب شد که در دوران مشروطه سابقه نداشت. (همان، ۵۸)

در دهه ۳۰ فرهنگ بیشتر برای انتقاد از عملکرد حکومت به کار می رفت؛ حکومتی که آرمان های آزادی خواهانه روشنفکران و مصالح ملی را کنار می گذاشت. در حقیقت، آنان اشاعه فرهنگ توده ای و روبنایی غرب توسط حکومت را نشانه همراه نبودن حکومت با منافع ملی می دانستند. (اباذری و خانفی، ۱۳۹۱، ۷۱)

این روند و فعالیت های روشنفکران زمینه ساز شکل گیری گفتمانی در فضای فرهنگی و گفتمانی غیررسمی جامه شد که دال مرکزی آن مقابله با امپریالیسم غرب بود.

البته روشنفکران در این زمان و حتی در دهه ۴۰ همچنان به فرهنگ غنی غرب که متفاوت با فرهنگ روبنایی آن بود، معتقد بودند؛ ولی در تقابل با غرب زدگی و اقدامات استعماری غرب، نوعی دغدغه اصالت، به معنای رجوع به سنت های بومی در ذهن آنان حضور داشت که به تدریج بسط بیشتری پیدا کرد.

همچنین با بسط نظریات پسااستعماری در دهه ۴۰، پیگیری فرهنگی اصیل، رنگ و بوی سیاسی و ضدغربی تری به خود گرفت و انتقاد از فرهنگ توده ای و مفهوم غرب زدگی با درک جدیدی از غرب و امپریالیسم همراه شد. (همان)

در دهه ۴۰، جهان سوم گرایی که تمام محافل روشنفکری را بیش از پیش فراگرفته بود، نقش مهمی در شکل دهی به مباحث روشنفکرانه در ایران ایفا کرد. (نبوی، ۱۳۸۸، ۱۵۵)

البته این گفتمان در ایران، به شکل های متفاوتی ظاهر شد؛ در حالی که از یک سو برخی روشنفکران همچون اعضای گروه های سازمان مجاهدین خلق یا گروه جنگل، ایده های تعهد و مسئولیت را در متن جهان سوم به توجیه اهمیت عمل خشونت آمیز، قیام و شهادت ترجمه می کردند، بسیاری دیگر از جمله شریعتی و آل احمد بر جنبه های فرهنگی گفتمان، پسااستعماری

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

تأکید داشتند.

به این ترتیب دغدغه مشترک روشنفکران در مرحله اول، رهاشدن از سلطه امپریالیسم و غرب بود؛ چرا که آن را مسئول اصلی مشکلات اجتماعی ایران تلقی می‌کردند. اما تصویری که در این دوره از امپریالیسم ارائه می‌شد، تصویر جدید و هوشمندانه‌تری بود که به استعمار ایران می‌پردازد. (اباذری و خائفی، ۱۳۹۱: ۷۴)

غرب در این دهه، بیش از همه چیز، در قالب امپریالیستی تصویر می‌شد که با اشاعه فرهنگ توده‌ای، نفوذ خود را اعمال می‌کرد و همچنین با انکار فرهنگ بومی، نوعی حس حقارت را در ایرانیان ایجاد کرده و آنان را مطیع خود می‌ساخت. (نبوی، ۱۳۸۸، ۱۷۹)

شکل‌گیری و هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران

ایران

براساس تحلیل گفتمان لاکلاو موف عواملی چون برجسته سازی و غیریت سازی، قابلیت دسترسی و اعتبار و نقش عاملان و کارگزاران سیاسی در هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی موثر بوده‌اند.

۱- برجسته‌سازی و غیریت‌سازی

طبق مبانی نظری لاکلاو موفه، فرآیند دیگرسازی باعث شکل‌گیری نوعی ما در مقابل دیگری می‌گردد. براساس همین ذهنیت دوگانه، تمامی رفتارها و کردارهای سوژه به گونه‌ای شکل می‌گیرد که او تمام پدیده‌ها را در قالب دوگانه «ما» و «آن‌ها» می‌بیند. این دوگانگی به صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی نمایان می‌شود. (سلطانی، ۱۳۸۴، ۱۱۲)

در فرآیند برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، گفتمان‌ها در تلاش‌اند تا قوت‌های برتر خود و ضعف‌های گفتمان رقیب را برجسته سازند و از سوی دیگر، ضعف‌های خود و قوت‌های رقیب را به حاشیه برانند. (کاظمی و دهقانی، ۱۳۹۴)

در دهه ۴۰ و ۵۰ با توجه به فضای سیاسی و اجتماعی شکل گرفته، گفتمان پهلوی به عنوان مهمترین دگردرونی گفتمان غرب ستیزی، دگرسازی شد. گروه‌های اجتماعی به دال مرکزی گفتمان حاکم، یعنی شاه حمله کردند. این جریان‌ها با بهره‌گیری از فرآیند برجسته‌سازی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

و حاشیه‌رانی، ابتدا هژمونی گفتمان حاکم را متزلزل کردند و سپس بر مبنای گفتمان خویش به مفصل‌بندی نشانه‌ها پرداختند و به ساماندهی مفاهیم و ایجاد پایگاه اجتماعی پرداختند و در نهایت با تثبیت خویش، گروه‌های مخالف را با این مکانیسم طرد کردند.

بدین ترتیب از درون گفتمان‌های اجتماعی پسااستعماری در جامعه ایران فرهنگ تازه‌ای ظهور کرد که بخشی از منظومه فرهنگ‌های گفتمانی بیگانه‌ستیزی به شمار می‌آید، این همان فرهنگ گفتمانی غیریت‌سازی مفرط بود. (ادیب زاده، ۱۳۸۷، ۵۵)

پدیده غیریت‌سازی مفرط مهمترین ویژگی گفتمان‌های اجتماعی پسااستعماری دهه ۳۰ به بعد است که با برجسته کردن نظام معنایی کهن الگویی و سرمایه‌های فرهنگی جامعه ایرانی به تولید این فرهنگ و تداوم آن امکان بخشیدند. (همان، ۵۶)

ویژگی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ را باید رواج مرزسازی و گرایشی قوی در بازتعریف مرزهای هویتی خویشتن ایرانی دانست. شریعتی در این باره می‌گوید: «خودم براساس احتیاجی که احساس می‌کنم و مسائلی که اکنون در عصر ما مطرح است و بالاخص برای این نسل جدید که با این اسلام دوباره جان گرفته و به قول اقبال بزرگ تجدید بنا شده، مطرح است براساس این نیاز دلم می‌خواهد مسائل علمی، فنی و کاملاً دقیق اعتقادی و در متن ایدئولوژی مطرح بشود». (شریعتی، ۱۳۷۹، ۱۴۷)

در دیدگاه‌های شریعتی به وضوح می‌توان برجسته‌سازی و تأکید بر دال خویشتن را مشاهده کرد، ضمن اینکه توجه به مقوله خودباختگی و خودبیگانگی در نقد حاکمیت و طرد ایدئولوژی غربی نشانگر آن است که در اندیشه شریعتی غیریت‌سازی و ایجاد شکاف بین مای ایرانی و آن‌های غربی مورد توجه بوده است.

در چهارچوب این گفتمان یک تمدن شرقی متفاوت با تمدن غربی معنا پیدا می‌کند و هویت شرقی در مقابل هویت غربی تعریف می‌شود. (ادیب زاده، ۱۳۸۷، ۶۱) آل احمد این موضوع را در کتاب غرب‌زدگی اینگونه نشان می‌دهد: چنین که از تاریخ بر می‌آید ما همیشه به غرب نظر داشته‌ایم. حتی اطلاق غربی را ما عنوان کرده‌ایم. (آل احمد، ۱۳۸۳، ۳۹)

احسان طبری نیز کشورهای غربی را جوامعی می‌دانست که به دلیل حمایت از آزادی‌طلبی به هرگونه گناه و فساد از باده‌نوشی و روابط جنسی تا دزدی و جنایت مشکلی ندارند و مانعی در برابر آن ایجاد نمی‌کنند.

همچنین فردید از مهمترین چهره‌هایی بود که با معرفی فکر اصالت‌مندی را به ایران، نقش

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

خود را در نوعی غیریت‌سازی ایفا نموده است. او تقابل دوگانه شرق و غرب را براساس مفهوم تاریخی بودن گوهر حقیقت در اندیشه‌های دگر باز تفسیر کرد. این تقابل دوگانه، خود نوعی پیکربندی فضایی و فرهنگی بود که در گفتمان‌های سیاسی مدرن حول مسأله استعمار غرب شکل گرفته بود. (میر سپاسی، ۱۳۸۷، ۱۷۴)

داریوش شایگان نیز همچون معاصران خود، اندیشه غربی را از همان آغاز دشمن مرگبار اندیشه شرقی می‌دانست.

در گفتمان‌های اجتماعی پسا استعماری دهه ۴۰ و ۵۰ براساس موقعیت ضد قدرت گفتمان‌ها و غیریت‌سازی‌هایی که از غرب صورت گرفته بود، تعریف شده است. در اغلب این گفتمان‌ها، غرب به منزله یک غیریت امپریالیست سرمایه داری استعمارگر، نماد ظلم و ظالم در مقابل مظلومین استثمار شدگان و زحمت‌کشان و از این قبیل جا داشت. (ادیب زاده، ۱۳۸۷، ۸۴)

۲- قابلیت دسترسی و اعتبار

قابلیت دسترسی یعنی در دسترس بودن در زمینه و موقعیتی که هیچ گفتمان دیگری خود را به عنوان جایگزین واقعی هژمونیک نشان نداده است؛ بنابراین صرف در دسترس بودن می‌تواند پیروزی یک گفتمان خاص را تضمین کند. و آن را به افق تصویری جامعه تبدیل نماید. (بابی سعید، ۱۳۷۹، ۸۷)

اعتبار نیز به معنای هماهنگی و انطباق اصول و مفاهیم گفتمان با اصول و مبانی بنیادی جامعه است. اگر گفتمانی خواهان کسب اعتبار در جامعه است، باید براساس ذهنیت، خواسته‌ها و نیازهای جامعه، مبانی گفتمانی خویش را ساماندهی کند تا این مبانی در تعارض با مبانی جامعه نباشند. یکی از دلایل موفقیت یا شکست هر گفتمان، در میان استقبالی است که در بطن جامعه از آن به عمل می‌آید.

در دوران بی‌قراری، گفتمان‌ها با طرح اسطوره خود، به دنبال ساماندهی به شرایط نابسامان موجود هستند؛ اما برای این ساماندهی، نیاز دارند اسطوره خود را که منافع گروه محدودی را سامان می‌دهد، به پندار اجتماعی تبدیل کنند. این امر، تنها با نوعی عام‌گرایی محقق می‌شود که طی آن، گفتمان‌ها خصلت استعاری به خود می‌گیرند و در این حال خود را نماینده تمام آمال و منافع مردم می‌دانند و سعی بر آن دارند تا رفتار آن‌ها را همسو با منافع خویش سامان دهند. (کاظمی و دهقانی، ۱۳۹۴)

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

در دهه ۴۰ و ۵۰ گفتمان پهلوی به عنوان گفتمان مسلط و گفتمان‌های اسلام‌گرایی، بومی‌گرایی و بازگشت به خویشتن اصیل و حاشیه‌گرایی به عنوان رقیبان آن، در منازعات سیاسی با یکدیگر مواجه بودند که با پیدایی بحران در گفتمان پهلوی، فرصت برای رقبای آن فراهم شد تا امکان دسترسی خود را به آزمون بگذارند. در این بین غرب ستیزی که فصل مشترک گفتمان‌های مذکور بود و به لحاظ آمیختگی با تاریخ، ارزش‌ها و باورهای جامعه، انطباق و سازگاری بیشتری با نظام ارزشی جامعه ایران داشت، به دلیل اصطکاک و تقابل جدی با گفتمان حاکم توانست به جایگاه ویژه‌ای در میان گروه‌های اجتماعی دست یافته، به سمت هژمونیک شدن حرکت کند.

۳- نقش عاملان و کارگزاران سیاسی

منظور از عاملان سیاسی، آن دسته از افراد و جریان‌هایی هستند که نقش راهبردی در پیشبرد هر گفتمان را دارند و یکی از عوامل موفقیت یا شکست هر حرکتی محسوب می‌شوند. هر چه این عاملان دارای انسجام و اتحاد بیشتری باشند، درصد موفقیت آن‌ها نیز افزایش می‌یابد و برعکس، هر چه این انسجام و وحدت کمتر باشد، درصد موفقیت کاهش می‌یابد. (کاظمی و دهقانی، ۱۳۹۴)

گفتمان غرب ستیزی به دلیل دارا بودن انسجام در میان عوامل سیاسی خود، توانست یکی از شروط مورد نیاز چیرگی را کسب کند. در این میان روشنفکران شاخصی مانند آل احمد، فردید، شریعتی، طبری، مطهری، نصر، شایگان و بازرگان که در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با رویکرد منتقدانه به موضوع غرب پرداختند، به عنوان عاملان سیاسی نقش بسزایی در تقویت گفتمان تفاوت با غرب و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری گفتمان تقابل با غرب داشتند.

۳-۱- احسان طبری

طبری سیاستمداری بود که می‌خواست از منظر ایدئولوژی مارکسیستی به مقابله با ایدئولوژی کاپیتالیسم بپردازد. او از نخستین اندیشمندان ایرانی است که به پوپر به دلیل افکار فردگرایانه و لیبرالیستی‌اش می‌تازد و از این منظر بین او و فردید شباهت فراوانی وجود دارد. (بهرامی کمیل، ۱۳۹۳، ۲۳۳ و ۲۳۴)

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

نگاهی به آثار طبری نشان می‌دهد که او پیش از آنکه دغدغه مدرنیته، سنت، مذهب و نسبت این‌ها را به هم داشته باشد، سیاستمداری است که می‌خواهد از منظر ایدئولوژی مارکسیستی به مقابله با ایدئولوژی کاپیتالیسم بپردازد. طبری از منظری جمع‌گرایانه به جامعه نگاه می‌کرد و عدالت‌گستری و عدالت‌محوری را بر حفظ آزادی‌های فردی ارجح می‌دانست. (همان)

او لیبرالیسم غرب را مورد انتقاد جدی قرار می‌دهد و انتقادهای مخالفان کمونیسم را بیهوده می‌داند و می‌گوید: «منتقدان، کمونیسم را به ایجاد نظام تک‌حزبی، حکومت پلیسی و دولتی، عدم رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، عدم تحمل شنیدن حرف مخالفان، حرکت اجباری بر مسیرهای از پیش تعیین شده و دموکراسی ظاهری متهم می‌کنند، در صورتی که کمونیست‌ها با فردگرایی و برخورد نیهیلیستی به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی مخالفند و طرفدار مسئولیت انسان در برابر جامعه و تکامل آن و معتقد به حدود آزادی فردی به خاطر آزادی افراد دیگر هستند». (طبری، ۱۳۵۸، ۸۷-۹۰)

البته طبری بعد از انقلاب اسلامی توبه می‌کند و این بار کشورهای سوسیالیستی را نیز غرق در فساد و استبداد می‌بیند. او معتقد بود این کشورها به ظاهر با کشورهای غربی متفاوت هستند، اما در واقع و در ماهیت، فرقی با آنها نداشته و تمام عیب و نقص‌های آنان را با خود دارند. (طبری، ۱۳۶۳، ۲۲)

او کشورهای غربی را جوامعی می‌داند که به دلیل حمایت از آزادی طلبی (لیبرالیسم) با هرگونه گناه و فسادی از باده نوشی و روابط جنسی تا دزدی و جنایت مشکلی ندارند و مانعی در برابر آن ایجاد نمی‌کنند. (همان)

سیر اندیشه‌های طبری نشان می‌دهد که او نگاه به درون را اهمیت داده و هر دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیستی را عامل بدبختی جوامع می‌داند.

او با چنین نگاهی به بحث سنت‌ها از یکسو و مدرنیته از سوی دیگر، ضمن ترسیم روند مواجهه با آن‌ها حفظ هویت خودی در مقابل غرب و شرق را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳-۲- احمد فردید

احمد فردید یکی دیگر از چهره‌های مطرح دهه‌های ۴۰ و ۵۰ است که به سهم خود نقش مهمی در بازتولید گفتمان تفاوت با غرب و تقویت غرب ستیزی داشته است.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

او از مهمترین چهره‌هایی بود که فکر اصالت‌مندی را به ایران معرفی کرد. تقابل دوگانه شرق و غرب را براساس مفهوم تاریخی بودن گوهر حقیقت در اندیشه‌های دگر باز تفسیر کرد. این تقابل دوگانه، خود نوعی پیکربندی فضایی و فرهنگی بود که در گفتمان‌های سیاسی مدرن حول مسأله استعمار غرب شکل گرفته بود. (میر سپاسی، ۱۳۸۷، ۱۷۴)

فردید با فحوایی تاریخ باورانه استدلال می‌کرد که حقیقت چهره ما از قرن هجدهم به بعد، تمدن غرب بوده که همه ممالک اسلامی و اقوام شرق را از سنن فرهنگی و تاریخی تهی کرده است. (فردید، ۱۳۵۲، ۱۹)

فردید در چهارچوب دوگانه شرق و غرب، اصرار داشت که غرب هم به مثابه نوعی هستی‌شناسی و هم شیوه زندگی باید کنار گذاشته شود. غرب نوعی موجودیت یگانه هستی‌شناختی و غرق در ماه واقیعت است، حال آنکه آفتاب حقیقت، یعنی اسلام ایرانی که در مقابل آن قرار می‌گیرد در محاق فرو رفته است. بنابراین وظیفه روشنفکر می‌بایستی بازسازی این خورشید حقیقت ایرانی-اسلامی به مثابه نقش هستی‌شناختی باشد. (فردید، ۱۳۷۰، ۳۳)

این دیدگاه از یکسو بازنمایی و برجسته‌سازی فرهنگ ایرانی-اسلامی به عنوان گفتمان غالب است و از سوی دیگر نشان می‌دهد که تمدن غربی تعارض‌های زیادی با فرهنگ بومی ما دارد.

۳-۳- جلال آل احمد

کتاب غرب‌زدگی آل احمد نوعی تقبیح مدرنیزاسیون در ایران و حمله به جنبه‌های زندگی مدرن است. روایت آل احمد از جامعه ایران که مبتلا به بیماری فقدان اصالت و زوال معنویت است، گونه‌ای از روایت یأس در سپهر سیاسی روشنفکر ایرانی است. کتاب دیگر او در خدمت و خیانت روشنفکران، نقد تندتری بر روشنفکران مدرنیت ایران است.

آل احمد با نقد خود در غرب‌زدگی، تحت تأثیر فردید، روایت‌های عامه‌پسندی را از مفهوم اسلام بازسازی شده به دست می‌دهد که همتای اصیل غرب‌زدگی است. در آغاز این اثر، غرب‌زدگی با چنین عباراتی تعریف شده است: مجموعه عوارضی که در زندگی و فرهنگ و تمدن و روش اندیشه نقطه‌ای از عالم حادث شده است و بی‌هیچ سستی به عنوان تکیه‌گاه و بی‌هیچ تداومی در تاریخ و بی‌هیچ مدرج تحول یابنده‌ای. (آل احمد، ۱۳۸۳، ۳۵)

آل احمد می‌گوید: ما ایرانیان توانسته‌ایم شخصیت تاریخی، فرهنگی خود را در قبال ماشین

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

و هجوم جبری اش حفظ کنیم. (همان، ۷۳)

این آموزه جهان سوم گرایانه و نقد پوچ گرایی فناورانه که در راه بازسازی نوی اسلام شیعی به خدمت گرفته شد، پیش از آنکه نماینده یک گفتمان دینی باشد، طیفی از ایدئولوژی های ضد روشنگری را در خود پنهان کرده است.

این نکته روشن می سازد که غرب زدگی حامل پیامی در خور مبارزات ضد امپریالیستی آن روز بود. رسالتی که به لحاظ بازسازی هستی شناختی تقابل دوگانه شرق و غرب و محکوم کردن آن با استفاده از اسلام شیعی و تغییر اجتماعی در پی آن بود که به نهیلیسم تهی و تجاوزگر مدرنیته غرب غلبه کند.

به نظر آل احمد، روحانیت به لحاظ تاریخی، آخرین برج و باروی مقاومت در قبال فرهنگ غرب است. زمانی که در ۱۵ خرداد اولین شورش سرتاسری به رهبری روحانیت شیعه علیه رژیم شاه شکل گرفت، بسیاری از پیام های آل احمد در غرب زدگی مورد تأکید انقلابیون اسلامی قرار گرفته است. (میرسپاسی، ۱۳۸۹، ۱۹۱)

۳-۴- داریوش شایگان

جلال آل احمد به رغم انتقادش از برخی جنبه های مدرنیته، مبانی مدرنیته را تأیید می کرد. اما در مورد داریوش شایگان، چنین نیست. گفتمان او مستقیماً با انتقاد از جریان فکری مدرنیته در ایران سروکار داشت، هرچند که تأثیر مستقیم او، دست کم پیش از انقلاب، عمدتاً به محافل نخبگان محدود ماند. (وحدت، ۱۳۸۳، ۱۸۶)

شایگان همچون معاصران خود، اندیشه غربی را از همان آغاز دشمن مرگبار اندیشه شرقی می دانست. چنانچه می گوید: «غور چندین ساله ما در ماهیت تفکر غربی که از لحاظ پویایی، تنوع مطالب، قدرت محصورکننده، پدیده های تک و استثنایی بر کره خاکی است، ما را به این امر آگاه ساخت که سیر تفکر غربی در جهت بطلان تدریجی جمله معتقداتی بوده است که میراث معنوی تمدن های آسیایی را تشکیل می دهد». (شایگان، ۱۳۷۶، ۱۰۹)

برداشت شایگان، مبتنی بر تفاوت های هستی شناختی میان جوامع شرقی همانند اسلام و غرب است. در حالی که اولی ریشه در وحی و ایمان دارد، دومی بر تفکر عقلانی استوار است. از این منظر، گروه های مارکسیستی به عنوان جریان هایی که دارای ماهیتی مدرن و غربی هستند مورد انتقاد قرار می گیرند و به نوعی غرب زده تلقی می شوند و عناصر و دقایق گفتمان چپ به

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

رغم آنکه از طرف روشنفکران و مذهبپون به عاریت گرفته می‌شد، یک گفتمان غیرخودی تلقی می‌گردد و براساس معیارهای دوگانه و متمایزکننده شرق و غرب سنجیده می‌شود، این معیار در شعارهای انقلابی کاملاً به وضوح تأثیرگذار بوده است و در به انزوا بردن جریان چپ کاملاً مشهود است. (میر سپاسی، ۱۳۸۷، ۶۲)

شایگان در کتاب آسیا در برابر غرب به تحلیل وضعیت کشورهای شرقی مقابل تجدد در دنیای امروز می‌پردازد و ضمن تحلیل رویکرد انسان شرقی امروز مقابل تجدد مدرنیته و تمدن غالب غرب، تأکید می‌کند که مردمان شرقی امروز در مواجهه با سیر مدرنیته ضمن از دست دادن و ناباوری به سنت‌های باستانی خود هنوز به باور و نوع تفکر مدرن نیز دست نیافته‌اند. (شایگان، ۱۳۸۴، ۲۰)

او بعد از تحلیل فلسفی و تاریخی این گسست در شرق پیشنهاد می‌کند انسان‌هایی با تسلط عمیق و ریشه‌ای به هم سنت باستانی مذهبی و ملی و هم نوع تفکر غرب و تبعات و مزایای آن به برنامه‌ریزی برای جامعه و آینده ملت خود همت گمارند.

شایگان اعتقاد دارد که آسیا آنقدر در تقلید نیست که در تقلیل است. او می‌گوید ما از ماهیت واقعی تمدن غرب ناآگاهیم. شما با سلاح ایدئولوژی نمی‌توانید به جنگ غرب و نهیلیسم بروید. شما نمی‌توانید با سلاح ایدئولوژی غرب را نقد کنید و فاصله تاریخی را ببیماید. (همان، ۴۳)

از نظر شایگان، کسانی می‌توانند رابطه بین شرق و غرب را ایجاد کنند که مثل خودش، هم غرب و هم شرق را از درون بشناسند. او می‌نویسد: «ما بازماندگان تمدن‌های آسیایی هم دچار هگل هستیم هم دچار مارکس بی‌آنکه از روح و تحول بدانیم و بی‌اطلاع به بحث درباره سلوک عقلی و جبر زمانه و مبارزه طبقاتی می‌پردازیم. تقدیر تاریخی ما این است که از تاریخ غرب عقب مانده‌ایم و بسته به برداشتمان از تاریخ تفکر غرب دانستن این که عقب مانده‌ایم، سودمند یا زیان بخش است و به قول هگل فلسفه تاریخ و تاریخ فلسفه چنان درهم آمیخته که تفکیک آن امکانپذیر نیست. این ناآگاهی به این واقعیت بر می‌گردد که فرصتی برای انتخاب نداشته‌ایم». (همان، ۵۲)

۳-۵- علی شریعتی

اگر آل احمد بانفوذترین چهره روشنفکری دهه ۱۳۴۰ بود، علی شریعتی بر دهه ۱۳۵۰ سیطره داشت و افکار و اندیشه‌های پیشینیان خود را در چهارچوبی کاملاً ساخته و پرداخته عرضه کرد.

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

شریعتی به عنوان نزدیک‌ترین وارث آل احمد در مطرح کردن بحران هویت ایران در میان اندیشمندان مذهبی، بیشتر عناصر و دقایق گفتمان خود را صرف این مضمون کرد. او که از گفتمان چپ در مورد از خودبیگانگی تأثیر زیادی پذیرفته بود در یک رشته از سخنرانی‌هایش که به نام اسلام‌شناسی منتشر شد، دست کم ۱۵ نوع مختلف از خودبیگانگی را مشخص کرد و مذهب خرافی، جادو، شرک، زهد باوری، ماشینی شدن، دیوان‌سالاری، نظام طبقاتی، عشق و ایمان، قهرمان پرستی، علم‌زدگی، پول، تمدن، جامعه، ماتریالیسم و ایدئالیسم را علل بیگانگی انسان‌ها از خود اصلی‌شان دانست. (شریعتی، ۱۳۹۰، ۳۲۸)

این همان خودباختگی بود که در گفتمان اسلام انقلابی، هم برای نقد حکومت پهلوی و هم پیروان ایدئولوژی‌های غربی مورد استفاده قرار گرفت. (صادقی و محمدی، ۱۳۹۴)

به نظر شریعتی، ملت‌های جهان سوم تنها با بازگشت به ریشه، میراث ملی و مردمی خود می‌توانند امپریالیسم را شکست دهند، بر الیناسیون اجتماعی چیره شوند و به درجه‌ای از رشد و آگاهی دست یابند که بتوانند بدون از دست دادن ارزش و عزتشان فناوری را از غرب آخذ کنند. (شریعتی، ۱۳۹۰، ۲۹)

شریعتی تحت تأثیر گفتمان چپ، همواره بر جمع‌گرایی تأکید داشت. تأکید شریعتی بی‌شک از اصول کلیت‌گرایی اسلامی هم متأثر بود. او این اصول را وسیله رفع استضعاف از مستضعفین تفسیر می‌کرد، مفهومی قرآنی که شریعتی بیشتر سرمایه‌بینی و سیاسی خود را به پای آن نهاد. از دیدگاه شریعتی واژه مستضعف جایگزینی بدیع برای واژه‌ای مثل پرولتاریا در جامعه آسیایی ایران با ساختارهای اقتصادی خاص خود بود و توانایی جذب توده‌ها با این زبان ساده به صورتی اعجاز‌آمیز نشان می‌داد که گفتمان اسلامی چقدر توانایی تأثیرگذاری زیادی بر توده مردم دارد. (وحدت، ۱۳۸۳، ۲۱۷)

دلبستگی اصلی شریعتی، ترویج یک گفتمان و ایدئولوژی برای یک جنبش اجتماعی توده مذهبی ایران بود. وی با مفهومی که از عمل ارائه می‌دهد، ستون اصلی ایدئولوژی اسلام حقیقی خود را بنا می‌کند و به اسلام توده‌گرا مشروعیت می‌بخشد. (میرسپاسی، ۱۳۸۹، ۲۱۹)

شریعتی با جذب دال‌هایی از گفتمان چپ و ریختن آن در قالب جدیدی دست زد و شکلی از گفتمان اسلامی را ارائه کرد که برای طبقه متوسط و تحصیل‌کرده ایرانی بیشترین جاذبه را داشت. (صادقی و محمدی، ۱۳۹۴)

اگر بتوان گفت آل احمد موفق به طرح مسأله شده بود، باید گفت شریعتی برای حل این

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

مسئله کوشش بسیار کرد. او برای حل مسئله غرب‌زدگی، "بازگشت به خویشتن" را مطرح کرد و در این راستا بود که به طرح مسئله الیناسیون یا از خودبیگانگی پرداخت و با ذوقی فلسفی - جامعه شناختی و با استفاده از دستاوردهای نظری مکاتب مختلف، چهار عامل اصلی الیناسیون را مورد حمله قرار داد.

نقش شریعتی در شکل‌گیری گفتمان ضد غرب و ضد آمریکا در دهه ۵۰ برجسته و انکارناپذیر است. او مورد توجه نسل جوان بود و حوزه تأثیرگذاری او بسیار وسیع. این تأثیر را مثلاً می‌توان در جریان تسخیر سفارت آمریکا دید. وقتی که تنها عکس او را دانشجویان در کنار عکس امام خمینی (ره) نصب کردند.

۳-۶- شهید مطهری

اگر آل احمد مفهوم غرب‌زدگی را مطرح کرد و شریعتی منادی بازگشت به خویشتن اسلامی بود، شهید مطهری مهمترین مفسر و مدافع گفتمان اسلامی در دوران انقلاب بود. برخلاف روشنفکران که از منظر ایدئولوژی‌ها، نظریه‌های مدرن دین را تفسیر می‌کردند، شهید مطهری از منظر فلسفه اسلامی و تفکر شیعی سخن می‌گفت. دغدغه اصلی ایشان دفاع از جامعیت و حقانیت اسلام و پاسخگویی به مسائل عصر جدید از منظر اسلام بود. کوشش شهید مطهری در نقد گفتمان چپ تأثیر زیادی در گسترش فرهنگ مذهبی و توسعه گفتمان اسلام‌گرایی داشت. نقدهای او بر مارکسیسم بسیاری از جوانان را به گفتمان اسلام‌گرایی علاقه‌مند کرد و از رفتن به سمت مارکسیسم باز داشت. وی می‌کوشید اسلام را به عنوان یک ایدئولوژی جامع و منسجم معرفی کند که دنیا و آخرت انسان را در برگیرد و بتواند به عنوان یک مکتب جامع، تکیه‌گاه انسان قرار گیرد، وی را به سعادت‌مندی برساند. (مطهری، ۱۳۹۰، ۶۹)

شهید مطهری می‌کوشید تا هم گفتمانی اسلامی و روزآمد و توانمند را به جامعه ارائه دهد و هم در مقابل مصادره دال‌های گفتمان اسلامی توسط گفتمان‌های دیگر ایستادگی کند. وی دغدغه طراحی گفتمان اصیل اسلامی را داشت و در آثار او کمتر رنگ و بوی اندیشه‌ها و گفتمان‌های غیردینی دیده می‌شد. (وحدت، ۱۳۸۳، ۲۵۷-۲۵۶)

روحانیت شیعه همواره در برابر جریان تاریخی غرب‌زدگی به مبارزه پرداخته است و استاد مطهری تنها فردی نبود که در مقابل فرهنگ الحادی و اومانیستی غرب و در دفاع از اسلام به مبارزه برخاست. از زمان سید جمال تا به امروز بسیار کسانی به این امر مهم قیام کرده‌اند. اما

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

آنچه استاد مطهری را از دیگران متمایز می‌سازد، ارائه اندیشه جایگزین، برای اندیشه‌های غربی بوده است. استاد مطهری کسی بود که در این مبارزه علمی و فرهنگی موفق و پیروز شد.

هنگامی که تفکر التقاط با غرب در میان مذهب‌یون رواج یافته بود و تفکر فلسفی توسط خط مزبور به شدت کوبیده می‌شد و منطق تجربی به مثابه تنها راه شناخت قرآن مطرح می‌گردید، مطهری با حاشیه بر جلد اول کتاب ارزنده «اصول فلسفه و روش رئالیسم» آن را منتشر ساخت و این اولین گام وی در مبارزه طولانی بود. در این کتاب که پاروقی‌های عمیق و مفصل شهید مطهری بر محتوای آن غنا بخشیده بود، با روش مقایسه‌ای و تطبیقی، اصالت فلسفه اسلامی در برابر مکاتب فلسفی غرب و شرق به خوبی نمایان گردیده است. مطهری در این پاروقی‌ها همگان با متن اصلی آن به معرفی فلسفه اسلامی و نارسایی منطق حسی و تجربی در تبیین بخش خاصی از مجهولات دانش بشری، جهان‌شناسی و معارف الهی و مزیای ابزار عقل و تفکر فلسفی در این مورد می‌پردازد. (بهرامی کمیل، ۱۳۹۳، ۲۹۵)

او معتقد بود تغییرات زمانه دو قسم است؛ بخشی انحرافات زمان‌هاست که باید کنار گذاشته شود و بخشی مقتضیات زمانه است که باید از آن‌ها پیروی کرد. علم و تکنولوژی هیچ ربطی به غرب ندارد و اتفاقاً خاستگاه اصلی آن در تمدن اسلامی بوده است. (مطهری، ۱۳۷۳، جلد اول)

می‌توان گفت اولین کسی که در ایران کوشید تا تبیین مفهومی از خودیگانگی را به روشنی جدای از مبانی ماتریالیسم دیالکتیک به انجام رساند، مطهری بود. او کوشید تا مبارز باشد و در عین حال منطق مارکس را نپذیرد و یک منطق فطری - انسانی را پایه تئوریک مبارزه قرار دهد.

۳-۷- حسین نصر

نصر از افراد برجسته و سرشناس نحله فکری «سنت‌گرایی» به حساب می‌آید که در موضوعات مختلف دارای مبانی و گرایش‌های خاصی است.

اضلاع نظام فکری نصر عبارتند از: اعتقاد به سنت، وحدت متعالی ادیان، کثرت‌گرایی دینی، سلطنت دینی، علم و هنر قدسی، مخالفت با روشنفکری و مدرنیته و گرایش به تصوف.

(محمدی، عبدالله، ۱۳۹۰، ۳۸)

مقصود از «سنت»، مجموعه اصولی است که فراگیری بوده و از عالم بالا فرود آمده و عبارت است از یک نوع تجلی خاص از ذات الهی، همراه با بکارگیری آن در مقاطع زمانی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

مختلف و شرایط متفاوت برای یک جماعت بشری خاص. (همان، ۱۵۵)
نصر همچون سایر سنت‌گرایان در زمره مخالفان جدی و سرسخت مدرنیته است و اساساً نقد و نفی مدرنیته و تمدن غرب، از ویژگی‌های بارز آنان به حساب می‌آید. به نظر او، دوران کنونی، دوران جاهلیت نوین است که بت‌های مکاتب باطل در آن باید از بین بروند. بر همین اساس، معتقد است نخستین وظیفه تمام متفکران سنت‌های معنوی و دینی مانند اسلام نقد مدرنیسم است.

او می‌گوید: «دوران کنونی دوران جاهلیت نوین است که بت‌های مکاتب باطل در آن باید از بین بروند». (نصر، ۱۳۸۴، ۲۸۴)

سید حسین نصر مانند برخی دیگر همچون فرید و جلال آل احمد، در صدد بیان دغدغه خود، مواجه با غرب‌زدگی است. او در مقابل مدرنیته، عالم مطلوب خود را مبتنی بر سنت استوار می‌سازد که برگرفته از ساحت قدسی ادیان است. از این رو می‌توان تقابل سنت و تجدد را اصلی‌ترین موضوع فکری او به حساب آورد.

او تأکید دارد که باید جوهر غرب را فهمید تا بتوان تحولات تجدد طلبی و ریشه‌های تاریخی ایدئولوژی‌ها و نیروهایی را که در آن ساحت در کار است، شناخت. (همان، ۱۷)
از نگاه نصر نخستین چالش جهان غرب با جهان اسلام (شرق) در عصر اکتشاف و در دورانی آغاز شد که در تاریخ اروپا به رنسانس مشهور است.

مخالفت سنت با تجددگرایی برگرفته از مشاهده واقعیات و پدیده‌ها یا تشخیص عوامل این بیماری نیست. این مخالفت براساس مطالعه عوامل این بیماری است. سنت‌گرایان با مقدماتی که تجدد بر آن بنا شده است، مخالف‌اند. (نصر، ۱۳۷۹، ۱۸۲ و ۱۸۳)

تلاش‌های این اندیشمند با محوریت سنت‌گرایی و نقد مرنیتیه، نه تنها در برجسته‌سازی و اعتباربخشی به یک گفتمان متفاوت با غرب بلکه در نفی و طرد غرب‌زدگی و غرب‌گرایی که گفتمان حاکم بود، موثر واقع شده است.

۳-۸- مهدی بازگان

مهدی بازگان را می‌توان سرسلسله روشنفکری دینی در ایران نامید. آشنایی با غرب، بازگان را که یک مسلمان معتقد و متفکر دردمند بود، به اندیشه در مورد علل تفوق غرب و عقب ماندگی و انحطاط ایرانیان وا می‌دارد. بازگان به عنوان چهره پیشاهنگ نسل خود به

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

شدت تحت تأثیر نظم، تکنولوژی، اخلاق کاری و احساس وظیفه و نیز آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در غرب قرار می‌گیرد. او در بازگشت خود از فرانسه تلاش می‌کند اسلام را با ارزش‌های مدرن پیوند دهد. (پدرام، ۱۱۱)

مسائل مورد توجه بازرگان، اصلاح و احیای دین و بازگشت به قرآن، رابطه علم و دین و دین و دنیا، دین و سیاست، انسان‌شناسی، آفت‌شناسی دین، مشکلات اجتماعی جامعه ایران و ملل اسلامی، برخورد با غرب و بالاخره دفاع امروزی از دین هستند. (محمدی، ۱۹۲)

بازرگان معتقد بود اسلام و قرآن چیزی خلاف عقل و منطق نمی‌گویند و آنچه را غربیان با عقل و تجربه به آن رسیده‌اند، از قرن‌ها پیش در کتاب آسمانی ما موجود بوده است. (بهرامی‌کمیل، ۱۳۹۳، ۲۴۵)

نقش برجسته بازرگان به دلیل تلاش او برای آشتی دادن اسلام با مدرنیته و مولفه‌های بنیادین آن مانند آزادی و دموکراسی است. او بر حفظ کرامت انسانی، آزادی‌های فردی، آزادی بیان، احترام به رأی اکثریت، دموکراسی و انتخابی بودن حاکم جامعه اسلامی تأکید دارد. (بازرگان، ۱۳۷۸، ۳۲۰-۳۳۸)

نتیجه‌گیری

گفتمان پهلوی بیش از دو دهه در قالب یک روایت پردازی شباهت با غرب به حیات خویش در عرصه فرهنگ رسمی ادامه داد و به عنوان یک تز، جایگاه و موقعیت مسلطی در جامعه پیدا کرد. در مقابل، نیروهای اجتماعی مخالف وضع موجود نیز به دور از عرصه حیات سیاست رسمی، در قالب یک روایت پردازی تفاوت با غرب به حیات استعاری و فرهنگی خویش در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ ادامه دادند و اینگونه بود که گفتمان‌های اجتماعی ضد قدرت به منزله یک آنتی‌تز در مقابل گفتمان حاکم بازتولید شدند.

سقوط قدرت پهلوی فضای مناسبی را برای بازتولید یک گفتمان قدرت‌جانشین و تازه را فراهم کرد. این گفتمان حاصل دیالکتیک بین دو گفتمان شباهت با غرب پهلوی و تفاوت با غرب ضد قدرت بود و به منزله سنتزی از دیالکتیک بین این دو نظام فرهنگی - گفتمانی متولد شد.

در عرصه فرهنگ غیررسمی یک فضای گفتمانی ضد قدرت شکل گرفته بود و اینکه گفتمان‌های اجتماعی ضد قدرت مسیر متفاوتی را در پیش گرفتند و از طریق روایت پردازی

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷

تفاوت با غرب به سمت یک گفتمان تفاوت با غرب حرکت کردند. در حقیقت گفتمان‌های اجتماعی ضد قدرت به دنبال بازتعریف مرزهای هویتی تازه و متفاوت بودند که موجب بازتولید دیوار آهنین هویت بین مای ایرانی و آن‌های غربی در عرصه حیات فرهنگی- گفتمانی جامعه ایران دهه ۴۰ و ۵۰ شده بود. (ادیب زاده، ۱۳۸۷، ۸۴ و ۸۵)

این روند را می‌توان در چهارچوب گفتمانی لاکلاوموفه به ویژه عوامل هژمونیک شدن گفتمان بررسی کرد. براساس چهارچوب نظری لاکلاو موف گفتمان قدرت پهلوی که یک گفتمان شباهت با غرب بود، از دو دهه و در شرایطی که در عرصه فرهنگ غیررسمی جامعه یک فضای گفتمانی ضد قدرت شکل گرفته بود، دچار از جاشدگی گشت و چون قابلیت دسترسی و اعتبار خود را از دست داده بود، در مقابل گفتمان تفاوت با غرب که گفتمان ضد قدرت بود و آنتی تری برای گفتمان حاکم به شمار می‌رفت، دچار بحران شد و هژمونی خود را از دست داد.

براساس تحلیل گفتمانی لاکلاوموف، گفتمان غرب‌ستیزی به دلیل قابلیت دسترسی و اعتبار و با دال مرکزی بومی‌گرایی توانست ضمن غیریت‌سازی با گفتمان شاه از یکسو و غرب از سوی دیگر در فضای فرهنگی و اجتماعی ایران بر گفتمان‌های بدیل غالب شود.

گفتمان‌های اجتماعی ضد قدرت دهه‌های ۴۰ و ۵۰ که شامل گفتمان‌های اسلام‌گرایی، بازگشت به خویش‌اصیل و گفتمان حاشیه‌گرایی بود، گرچه ماهیتی گفتمانی متفاوت و متعارضی با هم داشتند، اما به دلیل آنکه در برابر دگر مشترک قرار داشتند، تفاوت‌های بنیادی خویش را به طور موقت کنار گذاشتند و هدف خود را به سرنگونی حکومت پهلوی معطوف کردند. تلاش‌های روشنفکرانی چون شریعتی، آل احمد، شایگان، فردید، نصر، طبری، مطهری و طالقانی را در این خصوص بررسی کردیم.

این جریان‌ها در دوران مبارزه با حکومت پهلوی بر مبنای گفتمان خویش به مفصل‌بندی نشانه‌ها پرداختند، تعاریف خاص خود را از دال‌های شناور ارائه کردند و به ساماندهی مفاهیم و ایجاد پایگاه اجتماعی مبادرت ورزیدند.

بدین ترتیب گفتمان غرب‌ستیزی با اتکا به عاملان سیاسی و فرآیند دوگانه برجسته‌سازی و غیریت‌سازی، در دسترس بودن، قابلیت اعتبار و دارا بودن اعتبار نزد مردم توانست گفتمان مسلط را ایجاد کند.

منابع

- ابادری، یوسف علی و خائفی، منصوره، (۱۳۹۱)، بررسی مفهوم غرب در گفتمان روشنفکران مشروطه خواه در قیاس با گفتمان روشنفکران دهه چهل هجری شمسی، مطالعات جامعه شناختی، شماره ۴۱، پاییز و زمستان
- آبراهامیان، پروانه، (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه حمید گل محمدی و ابراهیم فتاحی، تهران، نشرنی
- اخوان کاظمی، مسعود و دهقانی، رضا، (۱۳۹۴)، تحلیل هژمونیک شدن گفتمان اسلام‌گرا در مقایسه با دو گفتمان چپ و لیبرال در انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، دوره ۱، شماره ۱، بهار
- ادیب زاده، مجید، (۱۳۸۷)، زبان، گفتمان و سیاست خارجی (دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمادین ایرانی)، تهران، نشر اختران
- ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۵)، نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، قومس
- افراسیابی، بهرام، (۱۳۵۹)، پدر طالقانی در زندان، تهران، جنبش
- آل احمد، جلال، (۱۳۷۶)، در خدمت و خیانت روشنفکران، زیر نظر شمس آل احمد، تهران، فردوسی
- آل احمد، جلال، (۱۳۸۲)، غرب‌زدگی، تهران، فردوسی
- آل سید غفور، سید محسن، (۱۳۹۴)، سنت اسلام نو اندیش در ایران معاصر، تهران، رخدا
- نو
- بازرگان، مهدی، (۱۳۶۲)، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران، نراقی
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۷)، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- بهرامی‌کمیل، نظام، (۱۳۹۳)، گونه‌شناسی روشنفکران ایران، تهران، انتشارات کویر
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۷)، غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران، پژوهشنامه متین، شماره ۱ سال اول
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲
- تاجیک، محمدرضا، (۱۳۸۳)، گفتمان، پادگفتمان و سیاست، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی
- جان زاده، علی، (۱۳۵۸)، طالقانی، تهران، انتشارات همگام

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷
- جزنی، بیژن، (۱۳۵۸)، تاریخ سی ساله ایران، تهران، مازیار
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۳)، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- حاجیکلائی، حمید، (۱۳۸۷)، جریان شناسی چپ در ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- خسروپنا، محمد حسین، (۱۳۷۷)، سازمان افسران حزب توده، تهران، موسسه نشر و پژوهش شیرازه
- خوشرو اده، جعفر، (۱۳۸۶)، میشل فوکو و انقلاب اسلامی رهیافتی پسامدرنیستی از منظر تحلیل گفتمان، پژوهشنامه متین، شماره ۵۷ و ۵۳
- زیبا کلام، صادق، (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی، تهران، نشر روزنه
- سعید، بابی، (۱۳۷۹)، هراس بنیادین، اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- سلطانی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نشر نی
- شایگان، داریوش، (۱۳۸۴)، آسیا در برابر غرب، تهران، انتشارات امیرکبیر
- شایگان، داریوش، (۱۳۸۴)، دین و فلسفه علم در شرق و غرب، تهران، الفبا
- شریعتی، علی، (۱۳۹۰)، تمدن و تجدد، تهران، مؤسسه بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی
- شریعتی، علی، (۱۳۶۰)، روشنفکر و مسئولیت او در جامعه، در مجموعه آثار، ج ۲۰، تهران، دفتر تدوین و تنظیم آثار دکتر علی شریعتی
- شکوری، ابوالفضل، (۱۳۷۴)، سیره صالحان، قم، انتشارات شکوری
- شوکت، حمید، (۱۳۷۹)، نگاهی از درون به جنبش چپ ایران، گفتگو با ایرج کشکولی، تهران، اختران
- صادقی، سید شمس الدین و محمدی، سامان، (۱۳۹۴)، جریان چپ، دیالکتیک روشنفکری و انقلاب اسلامی ایران، پژوهشنامه انقلاب اسلامی (دانشگاه بوعلی سینا همدان)، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان
- صارمی شهاب، اصغر، (۱۳۷۸)، احزاب دولتی و نقش آن‌ها در تاریخ معاصر ایران، تهران، مرکز اسناد و انقلاب اسلامی
- طالقانی، سید محمود، (۱۳۴۵)، پرتوی از قرآن، ج ۱، تهران، شرکت سهامی انتشار

_____ دلایل هژمونیک شدن گفتمان غرب ستیزی در میان روشنفکران ایران ۵

- طالقانی، سید محمود، (۱۳۵۸)، از آزادی تا شهادت، تهران، ابوذر
- عیوضی، محمدرحیم، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی اپوزیسیون در ایران، تهران، قومس
- فردید، احمد، (۱۳۷۰)، چند پرسش در مورد فرهنگ شرق، تهران، فرنگ و زندگی
- فردید، احمد، (۱۳۵۲)، سقوط هدایت در چاله ادبیات هرز فرانسه، تهران، مشرق
- فرکلاف، نورم، (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه، فاطمه شایسته پیران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها
- فوزی، یحیی، (۱۳۸۰)، مذهب و مدرنیزاسیون در ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- فوکو، میشل، (۱۳۷۷)، ایرانیان چه رویایی در سر دارند، ترجمه معصومه همدانی، تهران، هرمس
- قجری، حسینعلی، (۱۳۸۸)، تحلیلی بر گفتمان سیاسی امام‌خمينی(ره) در انقلاب اسلامی، پژوهشنامه متین، شماره ۴۵
- قیصری، نورالله، (۱۳۸۵)، تاریخ نگاری روشنفکری یا نقش روشنفکران در تاریخ معاصر ایران: نقد و بررسی روشنفکران ایرانی و غرب، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۷۱، بهار
- کسرابی، محمدسالا و پوزش شیرازی، علی، (۱۳۸۸)، نظریه گفتمان لاکلا و موفه ابزار کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی، فصلنامه سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز
- کیانوری، نورالدی، (۱۳۷۱)، خاطرات کیانوری، موسسه تحقیقاتی و انتشارات دیدگاه، تهران، انتشارات اطلاعات
- لاکلاو، ارنستو و شانتال موفه (۱۳۹۳)، هژمونی و استراتژی سوسیالیستی، ترجمه محمد رضایی، تهران، انتشارات ثالث
- مارش، دیوید و استوکر، جری، (۱۳۸۸)، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- محمدی، عبدالله، (۱۳۹۰) نصر، سنت، تجدد (بررسی زندگی و افکار سیدحسین نصر)، تهران، کانون اندیشه جوان
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، (۱۳۹۰)، نقدی بر مارکسیسم، تهران، انتشارات صدرا

- ◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۷ ———
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران، سمت
 - میرسپاسی، علی، (۱۳۸۷)، روشنفکران ایران، تهران، نشر توسعه
 - میرسپاسی، علی، (۱۳۸۹)، تأملی در مدرنیته ایرانی، تهران، انتشارات طرح نو
 - نصر، سیدحسین، (۱۳۸۴)، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات طرح نو
 - نصر، سیدحسین، (۱۳۷۹)، معرفت و معنویت، ترجمه انشالله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سپهروردی
 - وحدت، فرزین، (۱۳۸۳)، رویارویی فکری ایران با مدرنیته، تهران، انتشارات ققنوس
 - یزدانی، سهراب، (۱۳۹۱)، اجتماعيون عاميون، تهران، نشرنی